



تفسیر آیات مشکل

درس ۲۰

عالم برزخ

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

از عوالمی که انسان بعد از زندگانی در دنیا وارد آن می‌شود، عالم برزخ است که در آن انسان‌ها از نوعی حیات برخوردارند، که میان جایگاه گذری دنیا و سرای ابدی آخرت قرار دارد و بدین‌صورت براساس اعمال خود از نعمت یا عذاب طبق آیات قرآن بهره‌مند می‌شوند. بر این اساس یکی از منازل که در امتداد مسیر معاد به‌سوی خداوند سبحان قرار دارد، عالم برزخ است که در قرآن به آن اشاراتی شده و قسمتی از حیات برزخی مؤمنین و کفار به تصویر کشیده شده است. بنابراین در این درس به دنبال شناخت عالم برزخ از منظر آیات قرآنی هستیم که به نوعی از حیات برزخی در این آیات اشاراتی شده است.

محتوای آموزشی

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ. لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (مؤمنون، ۹۹-۱۰۰)

آن‌گاه که یکی از آنان را مرگ فرا رسد، گوید: پروردگارا! مرا برگردانید، شاید که من در آن‌چه واگذاشته‌ام کار شایسته انجام دهم. نه چنین است، آن، سخنی است که او فقط گوینده آن است و از پیش روی آن‌ها برزخی است، تا روزی که مبعوث شوند.

لغت و اعراب

۱. «حَتَّىٰ» ابتدائیه است و برای غایت نیست.
۲. ضمیر «اذا جائهم» به کسانی برمی‌گردد که در آیات پیش از آن‌ها یاد شد و آنان در معاد تردید داشتند و می‌گفتند: «اذا متنا و کنا ترابا».
۳. «ارجعون» در اصل «ارجعوننی» بود، که یکی از نون‌ها و یاء متکلم حذف شد و کسره نون دلالت بر یاء حذف شده دارد. این کلمه یا خطاب به فرشتگان و یا برای تعظیم است و یا به‌خاطر تکرار سخن آن‌ها که می‌گفتند: «ارجعنی ارجعنی» به‌صورت جمع آمده است.
۴. «کلا» حرف ردع است و برای ردّ سخن آن‌هاست.
۵. «کلمه» سخن، گفتار. شامل یک و یا یک جمله می‌شود، مانند: «کلمه الکفر».
۶. «برزخ» حایل، پرده، فاصله. در این‌جا منظور از برزخ عالمی است که فاصله میان دنیا و آخرت است و انسان‌ها پس از مرگ وارد آن عالم می‌شوند.
۷. «ورائهم» پیش‌روی آنان. این کلمه، هم به معنای پیش رو و هم به معنای پشت سر استعمال می‌شود.

تفسیر

آرزوی بازگشت به دنیا از سوی کافران

چند آیه جلوتر از این آیات، سخن برخی از مشرکان نقل شد که می‌گفتند: آیا چنین است که ما پس از مردن و خاک شدن، دوباره زنده می‌شویم؟ پس از نقل سخن آن‌ها استدلال‌هایی برای امکان و وقوع معاد بیان شد و اینک درباره آن‌ها می‌فرماید: چون مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا برگردانید تا در آن‌چه واگذاشته‌ام عمل صالح انجام دهم.

خداوند در رد گفتار آن‌ها می‌فرماید: نه چنین است، یعنی بازگردانیده نخواهند شد و این سخنی است که او می‌گوید و پیشاروی آن‌ها برزخی است تا روزی که در قیامت مبعوث شوند.

به نظر می‌رسد که کافران این سخن را به هنگام روبه‌رو شدن با مرگ و در آخرین لحظات زندگی بر زبان می‌آورند و مربوط به عالم پس از مرگ نیست؛ زیرا تعبیر «اذا جاء احدهم الموت» ظاهر در همین مطلب است، دیگر این‌که پس از نقل این سخن می‌فرماید: پیشاروی آنان برزخ است و از این سخن فهمیده می‌شود که هنوز آنان وارد برزخ که عالمی قبل از عالم قیامت است، نشده‌اند.

آرزوی بازگشت به زندگی دنیا برای انجام کارهای نیکو، از همان لحظه مرگ در کافران و بدکاران پیدا می‌شود و همیشه با آن‌هاست. در قیامت و به هنگام دیدن عذاب جهنم هم آن را تکرار می‌کنند، ولی هیئات که این آرزو برآورده نمی‌شود.

در آیه دیگری ضمن نقل این آرزوی کافران، خاطر نشان می‌سازد که اگر آن‌ها به دنیا بازگردند، باز هم کارهای خلاف انجام می‌دهند:

«فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ». (انعام، ۲۷-۲۸)

گفتند: ای کاش بازگردانیده می‌شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم، (چنین نیست) بلکه آن‌چه پیش‌تر پنهان می‌کردند، برای آنان آشکار شده و اگر بازگردانیده شوند، به همان چیزهایی که از آن نهی شده‌اند باز می‌گردند و بی‌گمان آن‌ها دروغگویند.

در ادامه آیات مورد بحث، پس از رد سخن کافران، می‌فرماید: پیش روی آنان برزخی است، تا روزی که در قیامت مبعوث شوند.

برزخ چیست؟

برزخ در اعتقادات اسلامی به عالمی گفته می‌شود که فاصله میان دنیا و آخرت است و چون کسی می‌میرد و در قبر گذاشته می‌شود، وارد عالم برزخ می‌گردد و تا زمانی که قیامت برپا شود، در آن عالم خواهد بود و طبق آیات و روایات اگر مؤمن باشد، در عالم برزخ از نعمت‌های الهی لذت خواهد برد و اگر کافر باشد، گرفتار عذاب الهی خواهد شد، و به تعبیر روایات، قبر یا باغی از باغ‌های بهشت و یا گودالی از گودال‌های جهنم است.

«برزخ» در اصل به معنای حایل و فاصله میان دو چیز است. راغب اصفهانی نقل می‌کند، که آن معرب «برزه» است.^۱ و در اصطلاح متکلمان اسلامی به معنای عالم ویژه‌ای است که حد فاصل میان دنیا و قیامت است و وقتی انسان می‌میرد، وارد عالم برزخ می‌شود تا زمانی که قیامت برپا شود و انسان از قبر بیرون آید.

واژه «برزخ» سه بار در قرآن کریم به کار رفته که در دو مورد به معنای لغوی آن است و منظور از آن فاصله میان دو دریاست که در کنار هم هستند و آب‌های آن‌ها با یکدیگر مخلوط نمی‌شوند (فرقان، ۵۳ و الرحمن، ۲۰) و مورد سوم به معنای همان عالم ویژه است، که فاصله میان دنیا و آخرت است (مؤمنون، ۱۰۰).

اثبات عالم برزخ و این‌که انسان پس از مرگ تا فرارسیدن قیامت، نوعی حیات ویژه دارد و متنعم و یا معذب می‌شود، از طریق عقل و حس امکان‌پذیر نیست. هرچند که بعضی‌ها با ادعای این‌که با مردگان ارتباط خاصی برقرار کرده‌اند و یا روح آن‌ها را احضار نموده‌اند، به اثبات حسی آن پرداخته‌اند، حقیقت این است که اثبات آن از طریق عقل و حس، به‌گونه‌ای که برای همه یا لاقلاً اکثر مردم قابل درک باشد، امکان‌پذیر نیست و نیازی هم به آن نداریم، چون از نظر آیات قرآنی و روایات بسیاری که در دست داریم و به‌زودی به ذکر آن‌ها خواهیم پرداخت، وجود حیات برزخی تقریباً از مسلمات است و نباید در آن تردید کرد.

همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی از اشاعره و اهل حدیث گرفته تا معتزله و شیعه، حیات برزخی را قبول دارند، جز چند نفر از معتزله که مخالفت آن‌ها اهمیت چندانی ندارد.

قاضی عبدالجبار معتزلی می‌گوید: میان امت اسلامی درباره عذاب قبر اختلافی وجود ندارد، جز سخنی که از ضراربن عمرو نقل شده که از معتزله بود، ولی بعدها به جبری‌ها پیوست. قاضی آن‌گاه به اثبات برزخ از طریق آیات قرآنی می‌پردازد.^۲

هم‌چنین عضدالدین ایجی از بزرگان اشاعره می‌گوید: زنده شدن مردگان در قبرهایشان و عذاب قبر نزد ما، حق است و علمای پیشین در آن اتفاق نظر داشتند، ولی ضراربن عمرو و بشر مریسی و اکثر متأخران از معتزله آن را

۱. مفردات غریب القرآن، ص ۴۳. سوره‌آبادی برزخ را واسطه میان این جهان و آن جهان می‌نامد. تفسیر سوره‌آبادی، ج ۳، ص ۱۶۵۴.

۲. قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، ص ۴۹۳.

انکار کرده‌اند، ایچی پس از این بیان به ردّ مخالفان می‌پردازد.^۱

از نظر علمای شیعه وجود حیات برزخی و عذاب قبر از مسلمات است و در مورد آن نقل اجماع شده است.^۲ در ادیان آسمانی دیگر هم اعتقاد به حیات برزخی وجود دارد، حتی در همین اناجیل کنونی از آن سخن گفته شده است. به عنوان مثال در انجیل لوقا راجع به عالم میان مرگ و قیامت، متنعم شدن مؤمن و معذب شدن گناه‌کار در این عالم مطالبی آمده، که از جمله آن‌هاست جریان مکالمه حضرت ابراهیم با ثروتمندی گناه‌کار پس از مرگش و درخواست او که کسی را نزد خانواده‌اش بفرستد و وضع این عالم را به آن‌ها بگوید تا متنبه شوند و ردّ این درخواست از سوی ابراهیم.^۳

همان‌گونه که گفتیم آیات و روایات بسیاری به وجود حیات برزخی و متنعم یا معذب شدن انسان در آن عالم و عذاب قبر و سؤال نکیر و منکر دلالت دارد و ما اینک برخی از آن‌ها را می‌آوریم.

حیات برزخی از نظر آیات قرآنی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به روشنی بر حیات برزخی و نوعی زندگی در عالم قبر دلالت می‌کند و برخی از آیات هم ظهور در آن دارند. از میان این آیات، چهار آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ. لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (مؤمنون، ۹۹-۱۰۰)

آن‌گاه که یکی از آنان را مرگ فرا رسد، گوید: پروردگارا! مرا برگردانید، شاید که من در آن‌چه واگذاشته‌ام کار شایسته انجام دهم، نه چنین است! آن سخنی است که او گوینده آن است و از پیش روی آن‌ها برزخی است تا روزی که مبعوث شوند.

در این آیه شریفه به این مطلب تصریح شده که پیش روی کسانی که در حال مرگ هستند تا روز قیامت برزخ و فاصله‌ای است. این برزخ قطعاً چیزی غیر از مرگ و قیامت است و باید آن عالم ویژه‌ای باشد که انسان در آن نوعی حیات دارد. چون در آیه تأکید شده که برزخ پیش روی کسانی است که در حال مرگ هستند و بنابراین چیزی غیر از مرگ است و آن عالمی است که تا روز قیامت ادامه خواهد داشت.

اکثریت قاطع مفسران سنی و شیعه آیه را مربوط به همان عالم برزخ دانسته‌اند، ولی زمخشری که از معتزله است آیه را طور دیگری معنا کرده است. وی می‌گوید: معنای آیه این است که میان آنان که آرزوی بازگشت به دنیا دارند

۱. ایچی، *المواقف*، ص ۳۸۲.

۲. علامه حلی، *کشف المراد*، ص ۴۲۴؛ شیخ بهائی، *الاربعین*، ص ۲۵۸. شرح حدیث سی و نهم

۳. *انجیل لوقا*، فصل ۱۶، جمله ۲۲-۳۱.

و میان بازگشت به دنیا حائلی است، تا روز قیامت و منظور این نیست که آن‌ها در قیامت بازگشت خواهند داشت، بلکه منظور آیه ناامید کردن آن‌ها از بازگشت است.^۱ بیضاوی هم طبق معمول به پیروی از زمخشری این سخنان را تکرار کرده است.^۲

البته زمخشری عالم برزخ را نفی نکرده است، ولی آیه را طوری معنا می‌کند که مربوط به برزخ اصطلاحی نمی‌شود، ولی انصافاً دلالت آیه بر عالم برزخ روشن‌تر از این تأویلات دور است، به‌خصوص این‌که آغاز و انجام آن عالم را هم مشخص کرده، یک طرف آن مرگ و طرف دیگرش روز قیامت است.

۲. «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۰)

گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آن‌ها به‌خاطر آنچه خدا از فضل خود به آنان داده، شادمانند و به کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند مژده می‌دهند که ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.

این آیات به‌روشنی بر این دلالت دارند که کشته شدگان در راه خدا پس از مرگ نوعی حیات و زندگی دارند و از نعمت‌های خداوند برخوردارند و در انتظار مؤمنان و مجاهدانی هستند که هنوز نمرده‌اند و به آن‌ها نپیوسته‌اند و در عالم خود به آنان مژده می‌دهند، که ترس و اندوه به خود راه ندهند.

بدون شک، روزی خوردن شهیدان نزد پروردگارشان که در این آیه آمده، مربوط به قیامت نیست، چون این در زمانی است که هنوز برخی از مردم نمرده‌اند، هم‌چنین منظور از زنده بودن شهیدان پس از مرگ، زنده بودن نام آن‌ها نیست، چون در آیه تصریح شده که در همان حال آنان نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و نیز در آیه ۱۵۴ از سوره بقره که شبیه این آیه است، تأکید می‌کند که شهیدان زنده‌اند، ولی شما زنده بودن آنان را درک نمی‌کنید (بل احياء و لكن لا تشعرون) و ما زنده بودن نام آن‌ها را درک می‌کنیم.

این آیات، اصل وجود حیات برزخی را اثبات می‌کند و این‌که آیا حیات برزخی مخصوص شهیدان و یا گروه‌های خاصی است و یا عمومیت دارد، بحث دیگری است که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

۳. «وَحَاقَ بِالْفِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ. النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر، ۴۵-۴۶)

و به آل فرعون عذاب سختی وارد شد. (عذاب آن‌ها) آتش است که هر صبح و شام بر آنان عرضه می‌شود و روز

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۲۰۳.

۲. بیضاوی، *انوارالتنزیل*، ج ۲، ص ۱۱۴.

قیامت، آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید.

در این آیه از عرضه شدن عذاب در هر صبح و شام به فرعونیان خبر داده شده است و صبح و شام مربوط به این دنیاست و آخرت صبح و شام ندارد. دیگر این‌که عذاب روز قیامت را در برابر عذاب صبح و شام ذکر کرده که دلالت بر دوگانگی آن‌ها دارد. معلوم است که احساس عذابی که هر صبح و شام به فرعونیان می‌شود، در صورتی امکان دارد که آنان نوعی حیات داشته باشند و گرنه عذاب کردن مردگان کاری لغو و بیهوده است.

البته این آیه هم مربوط به گروه خاصی است، ولی به هر حال بر وجود نوعی حیات پس از مرگ و پیش از قیامت دلالت دارد.

۴. «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ» (غافر، ۱۱)

گفتند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی، اکنون به گناهان خود اعتراف می‌کنیم، آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟

طبق این آیه، خداوند انسان را دو بار می‌میراند و دو بار زنده می‌کند. اکنون باید دید که منظور از دو بار میراندن چیست؟ ظاهر این است که میراندن نخست همان مرگ در این دنیا و میراندن دوم مرگ پس از حیات برزخی است.

بعضی‌ها گفته‌اند که منظور از مرگ نخست، حال انسان پیش از انعقاد نطفه اوست و می‌توان گفت که انسان در حال عدم به نوعی مرده به حساب می‌آید، ولی این فرض، فرض درستی نیست؛ زیرا اولاً انسان در حال عدم چیزی نیست که بتوان به او زنده یا مرده گفت.

ثانیاً، در آیه شریفه سخن از مرگ نیست، بلکه سخن از میراندن خداست و میراندن هنگامی امکان‌پذیر است که انسان زنده باشد و خدا او را بمیراند.

شبهه ضراربن عمرو

به طوری که گفتیم، ضراربن عمرو و جمعی از معتزله وجود حیات برزخی را انکار کرده‌اند. آن‌ها برای عقیده خود به این آیه از قرآن استشهاد کرده‌اند که درباره اهل بهشت می‌فرماید:

«لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَ وَقِيَهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ». (دخان، ۵۶)

آن‌ها هرگز مرگی جز همان مرگ اول نخواهند چشید و خدا آن‌ها را از عذاب دوزخ حفظ می‌کند.

ضرار و پیروانش گفته‌اند: طبق این آیه، اهل بهشت فقط یک بار مرگ را چشیده‌اند و آن همان مرگ در دنیاست و اگر پس از مرگ حیات برزخی داشتند، باید مرگ دیگری را هم می‌چشیدند و این با آیه شریفه منافات دارد.

متکلمان از این شبهه پاسخ‌های روشنی داده‌اند. ایچی پس از نقل سخن ضرار و استشهاد او به آیه مزبور، گفته

است: منظور آیه شریفه این است که اهل بهشت در بهشت نمی‌میرند و نعمت آن‌ها منقطع نمی‌شود و «الموتة الاولى» برای جنس است نه وحدت، مانند: «ان الإنسان لفی خسر»^۱.

فاضل مقداد گفته است: مراد آیه این است که نعمت‌های بهشت با مرگ منقطع نمی‌شود، همان‌گونه که نعمت‌های دنیا با مرگ قطع می‌شود... و خداوند بسیاری از مردم را در زمان پیامبران پیشین پس از مرگشان زنده کرد و سپس میراند.^۲

باید گفت که ضرار در این سخن خود، به آیه ۱۱ از سوره غافر که پیش‌تر آوردیم و در آن به دو بار میراندن تصریح شده، توجهی نکرده است؛ زیرا حتی اگر سخن کسانی را که مرگ اول را مربوط به پیش از خلقت انسان می‌دانند، بپذیریم، باز بالاخره آیه به دو بار مرگ تصریح کرده است، بنابراین باید تعبیر «الموتة الاولى» را درست معنا کرد و ما تصور می‌کنیم، که اتفاقاً همین تعبیر دلالت می‌کند که انسان دو بار مرده است، چون «الموتة الاولى = مرگ نخستین» در صورتی معنای درستی می‌دهد که مرگ دومی هم باشد. آری، اگر در آیه شریفه الموتة الواحدة آمده بود، سخن ضرار قوت می‌گرفت، ولی چنین نیست و آیه از مرگ نخست سخن گفته نه از تنها مرگ.

چکیده

در آیات فوق سخن از آرزوی بازگشت به دنیا برای انجام کارهای نیکو از سوی کافران مطرح می‌شود، که در لحظه مرگ این درخواست را از خداوند دارند، ولی خداوند در رد گفتار آن‌ها خاطر نشان می‌سازد که اگر آن‌ها به دنیا بازگردند باز هم کارهای خلاف انجام می‌دهند. پس از رد سخن کافران، به عالم برزخ اشاره می‌شود که تا روز قیامت در آن جا هستند.

برزخ عالم ویژه‌ای است که حد فاصل میان دنیا و قیامت است و همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی حیات برزخی را قبول دارند. در ادامه به حیات برزخی از نظر آیات قرآنی پرداخته می‌شود که با بررسی بعضی از آیات، اصل وجود حیات برزخی اثبات می‌شود.

۱. ایجی، المواقف، ص ۳۸۲.

۲. فاضل مقداد، اللوامع الالهیه، ص ۴۲۵.



تفسیر آیات مشکل

درس ۲۱

حیات برزخی از دیدگاه روایات

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

در درس گذشته پیرامون عالم برزخ از دیدگاه قرآن سخن به میان آوردیم. در این درس مسأله حیات برزخی را از منظر روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام) بررسی می‌کنیم. از آنجا که در این روایات به صورت گسترده و جزئی به مباحث مربوط به عالم برزخ پرداخته شده، انتظار می‌رود که دانش‌پژوه با ماهیت و چگونگی ادامه حیات برای دو گروه مؤمنین و کفار بعد از مرگ آشنا شود و از استنادهای روایی درباره مسائل مختلف پیرامون حیات برزخی بهره‌گیرد.

محتوای آموزشی

علاوه بر آیات قرآنی که نمونه‌هایی از آنها را ذکر کردیم، مسأله حیات برزخی در روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام) هم به طور گسترده‌ای مطرح شده و شامل جزئیات بیش‌تری از اوضاع عالم برزخ است. در این روایات موضوعات متعددی بیان شده که همه آنها دلالت بر وجود حیات برزخی دارند. ما این موضوعات را با ذکر نمونه‌هایی از روایات، مطرح می‌کنیم:

۱ - سخن گفتن با مردگان. در برخی از روایات از سخن گفتن معصومین (علیهم السلام) و برخی از اولیاء اللّه با مردگان صحبت شده و لحن روایات به گونه‌ای نیست که آنها را حمل بر مجاز کنیم و مانند خطاب شاعرانه به موجودات بی‌جان چون خورشید و ماه، و در و دیوار بدانیم. اینک ما چند مورد را ذکر می‌کنیم:

۱.۱- سخن گفتن پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با کشته شدگان جنگ بدر. به طوری که در کتاب‌های تاریخی و حدیثی آمده است، پس از پایان یافتن جنگ بدر، اجساد کشته شدگان مشرکان را در چاهی انداختند. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در کنار آن چاه ایستاد و خطاب به آنها فرمود: ای اهل چاه! ما آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود، درست یافتیم، آیا شما هم آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود، درست یافتید؟ بعضی از حاضران گفتند: پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) با مردگان سخن می‌گوید. حضرت فرمود: اگر به آنها اجازه داده می‌شد، همگی می‌گفتند: آری. و نیز فرمود: آنها بهتر از شما می‌شنوند.^۱

۱.۲- هم‌چنین طبق برخی از روایات، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) پس از دفن فاطمه بنت اسد همسر حضرت

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۹؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۶۶۶؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۵۴. این حدیث را بخاری نیز در صحیح خود با این عبارت نقل کرده: «ما انتم بأسمع منهم ولكن لا یجیبون» آن‌گاه اعتراض عایشه را به این مطلب نقل کرده، گویا او گفته است منظور پیامبر شنیدن آنها نبود، بلکه دانستن آنها بود، چون در قرآن آمده: «انک لا تسمع الموتی» صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۰۱. البته علما این اعتراض را وارد ندانسته‌اند، چون در آیه مورد استشهاد منظور از «الموتی» مردگان واقعی نیست، بلکه کنایه از اشخاص زنده‌ای است که از روی عناد سخن حق را نمی‌شنوند.

ابوطالب بر سر قبر او بود، که دوبار فرمود: «ابنک ابنک = پسرت، پسرت» وقتی از وی سؤال شد، فرمود: دو فرشته بر او نازل شدند و پرسیدند: ولی و امام تو کیست؟ او خجالت کشید بگوید پسر و من به او گفتم: بگو پسر پسرم.^۱

۱.۳- سخن گفتن امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ جمل با کعب و طلحه پس از کشته شدنشان به روایت شیخ مفید. پس از پایان جنگ جمل، امیرالمؤمنین با جنازه‌های کعب بن سور و طلحه بن عبیدالله سخن گفت، از جمله به جنازه طلحه خطاب کرد: ای طلحه! من آنچه را که پروردگارم وعده داده بود یافتم، آیا تو هم آنچه را که پروردگارت وعده داده بود، یافتی؟ بعضی از همراهان امام گفتند: یا امیرالمؤمنین، با کعب و طلحه پس از مرگشان سخن می‌گویی؟ فرمود: به خدا قسم آن‌ها کلام مرا شنیدند، همان‌گونه که اهل قلیب در بدر کلام پیامبر (صلی الله علیه وآله) را شنیدند.^۲

۲- فشار قبر. در احادیث متعددی تصریح شده است که بسیاری از مردگان پس از دفن، گرفتار فشار قبر خواهند شد.

کلینی از ابوبصیر نقل می‌کند که به امام صادق (علیه السلام) گفتم: آیا کسی از فشار قبر در امان می‌ماند؟ فرمود: از فشار قبر به خدا پناه می‌برم، کم‌تر کسی از آن در امان می‌ماند.^۳

همو در روایت دیگر نقل می‌کند که از امام صادق (علیه السلام) درباره کسی که به دار آویخته شده پرسیدند که آیا عذاب قبر به او هم می‌رسد؟ فرمود: پروردگار زمین، پروردگار هوا هم هست، خداوند به هوا فرمان می‌دهد که او را شدیدتر از فشار قبر فشار دهد.^۴

چنین می‌نماید که حتی مؤمنان هم فشار قبر دارند؛ همان‌گونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) درباره سعد که صحابی متدینی بود و خود آن حضرت در تشییع جنازه او شرکت کرده بود و او را با دست خود در قبر گذاشته بود، از آمدن فشار قبر به سراغ او خبر داد، چون او در میان خانواده‌اش بد اخلاق بود.^۵ در روایت دیگری از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود: عذاب قبر برای مؤمن کفاره‌ای برای ضایع کردن نعمت‌هاست.^۶

۳ - سؤال نکیر و منکر. شیخ مفید درباره نزول دو فرشته بر اهل قبور و پرسش از اعتقادات آن‌ها می‌گوید: این

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۴۱.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۳۵۶.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۶.

۴. همان، ص ۲۴۱؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۲.

۵. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۶.

۶. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۹۷.

صحیح است و شیعه و اصحاب حدیث در آن اتفاق نظر دارند.^۱ درباره دو فرشته که در قبر بر مؤمن به‌عنوان بشیر و مبشر، و بر کافر و فاسق به‌عنوان نکیر و منکر نازل می‌شوند، روایات متعددی وارد شده است؛ از جمله این که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل می‌کند که فرمود: هنگامی که بنده را وارد قبر کردند، دو فرشته که یکی منکر و دیگری نکیر است، به‌سوی او می‌آیند و اولین چیزی که از وی می‌پرسند، درباره پروردگار و پیامبر و ولی اوست، که اگر پاسخ داد نجات می‌یابد و اگر حیران شد عذابش می‌کنند.^۲

هم‌چنین امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: دو فرشته منکر و نکیر پس از دفن، سراغ میت می‌آیند، درحالی که صدای آن‌ها مانند رعد و چشمانشان مانند برق است... و می‌پرسند: پروردگار و پیامبر تو کیست؟^۳

۴ - **متنعم و یا معذب شدن در عالم برزخ.** برپایه روایات، ارواح مؤمنان در عالم برزخ با نعمت‌های الهی متنعم و ارواح کافران معذب خواهند بود.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: قبر یا باغی از باغ‌های بهشت و یا گودالی از گودال‌های آتش است.^۴ امام امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: مردی از احبار یهود را به‌خاطر گناهانش، در قبر تازیانه‌ای از عذاب خدا زدند، پس قبر او پر از آتش شد.^۵ و در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده که درباره وضعیت مؤمن در قبر فرمود: دری از بهشت به قبر او باز می‌شود و به او گفته می‌شود: همچون عروس آرام بخواب.^۶

این که از برخی از مادی‌ها نقل شده که با تمسخر گفته‌اند قبرها را زیر نظر گرفتیم و در آن‌ها میکروفون‌های قوی نصب کردیم، ولی هیچ خبری نبود، سخن سخیفی است، چون هیچ‌کس نگفته که عذاب یا نعمت در قبر از نوع مادی است، بلکه آن نوع دیگری است که نمی‌توان آن را با ابزار مادی درک کرد. ملاصدرا در این‌باره می‌گوید: متفلسف جاهل به احکام آخرت عذاب قبر را انکار می‌کند و می‌گوید: به قبر فلانی نظر کردم و چیزی ندیدم. او باید بداند که این عذاب به‌گونه‌ای است که از حواس ظاهری پنهان است.^۷

۵- **ارتباط یک‌طرفه مردگان با اهل خود.** در روایات متعددی از معصومین (علیهم‌السلام) نقل شده است که برخی از مردگان به وضع خانواده خود که در دنیا رها کرده‌اند، نظر دارند و گاهی به دیدار آن‌ها می‌روند.

۱. *اوائل المقالات*، ص ۷۶.

۲. *بحار الأنوار*، ج ۳۰، ص ۳۹.

۳. *اصول کافی*، ج ۳، ص ۲۳۶.

۴. قطب راوندی، *الخرائج والجرائج*، ج ۱، ص ۱۷۲؛ *بحار الأنوار*، ج ۶، ص ۲۰۵.

۵. صدوق، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۳۰۹.

۶. *اصول کافی*، ج ۳، ص ۲۳۸.

۷. ملاصدرا، *اسرار الآیات*، ص ۱۸۱.

کلینی روایت کرده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا مؤمن از خانواده خود دیدن می‌کند و از اسحاق بن عمار نقل می‌کند که از امام کاظم (علیه السلام) پرسیدم: آیا میت از خانواده خود دیدن می‌کند؟ فرمود: آری. امام اضافه کرد که اگر آن‌ها را در حال نیکی ببیند، خوشحال می‌شود و اگر در حال بدی ببیند، اندوهگین می‌شود.^۱ محمد بن مسلم می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: مردگان را زیارت کنیم؟ فرمود: آری، گفتم: وقتی نزد آن‌ها رفتیم از وجود ما آگاه می‌شوند؟ فرمود: آری به خدا سوگند آن‌ها شما را می‌شناسند و با آمدنتان شاد می‌شوند و با شما انس می‌گیرند.^۲

۶ - آزادی ارواح برخی از مردگان. در بعضی از روایات از آزادی ارواح مؤمنین در عالم برزخ و برخی از حالات مردگان در وادی السلام و برهوت سخن گفته شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردگان را در روز جمعه زیارت کنید، که هر کدام از آن‌ها در تنگنا باشد، میان طلوع فجر تا طلوع آفتاب به او وسعت داده می‌شود و هر کس را که به زیارت آن‌ها آمده باشد، می‌شناسند و از او شادمان می‌شوند.^۳ هم‌چنین در بعضی از روایات^۴ از حضور ارواح مؤمنین در وادی السلام نجف و ارواح کافران در برهوت که صحرائی در یمن است، سخن گفته شده، که ما از حقیقت آن آگاهی نداریم. از مجموع این روایات که در شش عنوان آنها را دسته‌بندی کردیم، به‌خوبی روشن می‌شود که انسان در فاصله میان مرگ و قیامت از نوعی زندگی ویژه برخوردار است.

چگونگی حیات برزخی

اکنون این سؤال پیش می‌آید که پس از رها شدن روح از جسد و قرار گرفتن آن در عالم مجردات، برخورداری روح از نعمت و عذاب به چه صورت است؟ روح برای درک لذت و الم احتیاج به ابزار دارد، ابزار او در عالم برزخ چیست؟ آیا به‌نحوی با بدن خود ارتباط دارد و یا مطلب به‌نحو دیگری است؟ آن‌چه از روایات معصومین (علیهم السلام) به‌دست می‌آید، این است که خداوند برای ارواحی که در برزخ متنعم و یا معذب می‌شوند، جسد ویژه‌ای همانند جسد اصلی او، ولی بسیار متفاوت با آن ترتیب می‌دهد، که در اصطلاح به آن جسد مثالی یا قالب مثالی گفته می‌شود. این جسد، جسد قبلی او نیست بلکه چیزی شبیه آن و ابزار و مرکبی برای روح است، که لذت و الم را به‌وسیله آن درک می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی راجع به ارواح مؤمنان می‌فرماید: چون خداوند مؤمن را قبض روح می‌کند و

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۹۲.

۴. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۳ و ۱۴۶.

روح او را در قالبی مانند قالب آن در دنیا قرار می‌دهد، پس می‌خورند و می‌آشامند و چون کسی نزد آنان آید، او را با همان صورتی که در دنیا بود می‌شناسند.^۱ در بعضی از روایات به جای کلمه «قالب» کلمه «صورت» آمده است.^۲

ابو ولاد می‌گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) گفتم: فدایت شوم بعضی‌ها چنین می‌پندارند که ارواح مؤمنان در چینه‌دان پرندگان سبز رنگی در کنار عرش قرار می‌گیرند، فرمود: نه، مؤمن نزد خدا گرامی‌تر از این است که او را در چینه‌دان مرغ قرار دهد، بلکه در بدن‌هایی همانند بدن‌های خودشان قرار می‌گیرند.^۳

شیخ بهائی (رحمة‌الله) پس از نقل برخی از روایات در این زمینه و بحث بر روی آن‌ها، می‌گوید: قول به تعلق ارواح به اشباح دیگر، قول به تناسخ نیست و اگر کسی چنین فکر کند، پنداری نادرست و سخیف کرده است. تناسخی که همه مسلمانان در باطل بودن آن اتفاق نظر دارند، عبارت از تعلق ارواح پس از جدا شدن از ابدان، به بدن‌های دیگران در این دنیاست.^۴

آیا همه انسان‌ها حیات برزخی خواهند داشت؟

مطلب دیگری که از روایات استفاده می‌شود و ظاهر آیات قرآنی هم بر آن دلالت دارد، این است که همه مردم حیات برزخی نخواهند داشت، در قرآن کریم فقط به حیات برزخی کشته شدگان در راه خدا و نیز فرعونیان تصریح شده و طبق روایات هم فقط مؤمن محض و کافر محض، حیات برزخی خواهند داشت و متنعم یا معذب خواهند شد و افراد متوسط و مستضعف حیات برزخی نخواهند داشت و حتی دو فرشته سؤال کننده به سراغ آن‌ها نخواهند رفت.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: در قبر جز از کسی که ایمان خالص یا کفر خالص داشته باشد، سؤال نخواهد شد و بقیه رها می‌شوند.^۵

هم‌چنین از امام صادق سؤال شد: چون کسی می‌میرد، روح او کجا می‌رود؟ حضرت فرمود: کسی که می‌میرد و ایمان خالص و کفر خالص دارد، روحش از هیكلش به چیزی که در صورت همانند اوست، منتقل می‌شود و تا روز قیامت در مقابل اعمالش جزا داده می‌شود و چون (در قیامت) از قبر برانگیخته شد، جسم او ساخته می‌شود و روحش به جسدش برمی‌گردد.^۶

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۹.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۴.

۴. شیخ بهائی، الاربعین، ص ۲۷۰ شرح حدیث چهلیم.

۵. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۸۱.

شیخ مفید مردگان را به چهار طبقه تقسیم می‌کند و طبقه چهارم کسانی را می‌داند که پس از مرگ تا روز قیامت زنده نخواهند شد و حیات برزخی نخواهند داشت. آن‌ها کسانی هستند که بی آن‌که عنادی داشته باشند، در معارف و اعتقادات قصور کرده‌اند و مستضعف در دین هستند.^۱

تکامل برزخی

از نظر متکلمان اسلامی، با مرگ انسان، تکلیف از وی به کلی منقطع می‌شود و بنابراین، پس از مرگ جایی برای تکامل یا تنزل وجود ندارد. البته این مانع از آن نمی‌شود که انسان پس از مرگ به وسیله خیرات خانواده خود و یا برخورداری از پاداش صدقه‌های جاریه خود، بیش‌تر متنعم شود و بر نعمت او افزوده گردد، این را نمی‌توان تکامل روح به حساب آورد، تکامل در صورتی است که روح خودش اقداماتی انجام دهد.

باین‌وجود، برخی از فلاسفه معتقد به تکامل برزخی هستند و این‌که ارواح در عالم برزخ با سوار شدن بر مرکب‌های خاصی می‌توانند به تکامل برسند.

در این‌باره سخنی از ابن سینا نقل شده به این مضمون که، احتمال دارد برخی از نفوس پس از مرگ تکامل‌هایی داشته باشند. آقای حسن‌زاده نیز پس از نقل سخن ابن سینا، تکامل برزخی را می‌پذیرد و آن را چیزی متفاوت با تناسخ می‌داند.^۲

چکیده

مسئله حیات برزخی در روایات و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) به‌طور گسترده‌ای مطرح شده، که شامل جزئیات بیش‌تری از اوضاع عالم برزخ است. موضوعات متنوع مانند سخن گفتن با مردگان توسط پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و امام علی (علیه‌السلام)، فشار قبر برای مؤمن و کافر، سؤال نکیر و منکر برای کافر و بشیر و مبشر برای مؤمن، متنعم و یا معذب شدن در عالم برزخ، ارتباط یک طرفه مردگان با اهل خود در دنیا، آزادی ارواح برزخی از مردگان در وقت خاص، ادامه حیات برزخی با بدن مثالی، از جمله مباحثی است که در روایات با جزئیات بیش‌تر و به‌صورت گسترده به آنان پرداخته شده است.

۱. شیخ مفید، *اوائل المقالات*، ص ۷۵-۷۶.

۲. حسن‌زاده آملی، *عیون مسائل النفس*، ص ۴۸۵؛ و نیز *رساله انه الحق*، ص ۱۳۳.